

"بسمه تعالی"

درآمدی تاریخی بر کارکردهای مساجد

علی الهی فر

چکیده

سخن از کارکردهای مسجد و تبیین دقیق آن‌ها از جمله بحث‌های مهم و کاربردی امروز مسلمانان است. متفکران زیادی در این باره تحقیق کرده‌اند اما متأسفانه هنوز به تبیین نهایی و دقیقی نرسیده‌اند. شاید اگر این بحث به‌طور منظم از مراحل اولیه‌ی تأسیس و چرایی وجود مسجد آغاز شود و سپس به مرحله‌ی بعد، یعنی تعیین کارکردهای اصیل و شرعی مسجد و نقش آن در جامعه، برسد، به نتیجه‌ی بهتری برسیم.

در این نوشتار، می‌خواهیم چنین روشی در پیش گیریم تا بخشی از اختلاف‌نظرها درباره‌ی کارکردهای مسجد را کاهش دهیم و در نهایت به ملاکی دقیق برای تشخیص کارکردهای اصلی مسجد برسیم. در مرحله‌ی اول به دنبال توضیح معنای شرعی واژه‌ی مسجد هستیم؛ سپس با معرفی صاحب‌امتیازان تأسیس مسجد در جامعه‌ی اسلامی کارکردهای مشروع مسجد را معین و از بحث‌های دامنه‌دار و بی‌نتیجه پرهیز کنیم.

فصل اول: مفهوم‌شناسی «مسجد»

۱- مفهوم‌شناسی واژه‌ی «سَجَدَ» و «سَجَدَ»

کلمه‌ی «مسجد» به فتح یا کسر جیم از ماده‌ی «سَجَدَ یَسْجُدُ سُجُوداً» گرفته شده است.^۱ واژه‌ی «سَجَدَ» در کتاب‌های لغت چنین معنی شده است: «تَطَامَنَ وَ ذَلَّ»، «خَصَعَ وَ اِنْحَنَّا». موارد کاربرد این واژه در کلام عرب چنین آمده است: «سَجَدَ الْمُصَلِّی»، «سَجَدَ الْحَمَلُ» که به ترتیب به معنای «خضع و انحنی: نمازگزار خشوع کرد و خم شد» و «خَفَضَ رَأْسَهُ لِرُكْب: شتر سر خود را فرود آورد تا بر او سوار شوند».^۲

۱- البته عین‌الفعال آن به کسر در ماضی و فتح در مضارع نیز شنیده شده در این باره رجوع شود به «الرائد».

۲- المقیاس الفقه. ذیل ماده ؛ سجد)

از آنجاکه «سَجْدَه» به معنای فروتنی است، در تمام موارد کاربردی، اصل معنای آن یعنی «خضوع و خشوع» لحاظ شده است.^۱ البته، از لحاظ لغت به رکوع هم می‌توان «سجده» گفت؛ همان‌گونه که در آیهی «ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا»^۲ به معنای رکوع‌کنندگان تفسیر شده است.^۳ راغب اصفهانی سجده را به «انحناء و تذلل» معنا می‌کند و می‌گوید: سجده عام است و شامل انسان و حیوان و جماد می‌شود. درحقیقت، سجده نمایانگر عظمت و ارزش بی‌حد و حصر کسی است که برای او سجده می‌کنند. در همه‌ی آیاتی که به زمین و آسمان و موجودات بی‌جان نسبت سجده داده شده، منظور همان خضوع و تسلیم در برابر اراده‌ی حق تعالی است.^۴

قرآن کریم درباره‌ی قوم سبأ می‌فرماید: «وَجَدْتُنَّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ»،^۵ دیدم ملکه سبأ و قومش را که به جای خدا برای خورشید سجده می‌گذارند...

در قضیه‌ی حضرت مریم (سلام الله علیها) می‌فرماید: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ»،^۶ ای مریم کرنش کن پروردگارت را و سجده کن و رکوع کن با رکوع‌کنندگان ...

خداوند در نقل مبارزه‌ی فرعون و ساحران‌شان با موسی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ»،^۷ جادوگران به سجده افتادند.

خطاب به ابراهیم خلیل (علیه السلام) می‌خوانیم: «وَوَطَّئِرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»،^۸ و پاکیزه کن خانه‌ی مرا برای طواف‌کنندگان و ایستادگان و رکوع‌کنندگان که سجده می‌گذارند.

۱ - الرائد. ذیل ماده؛ سجد

۲ - سورة بقره؛ ۵۸.

۳ - فیروز آبادی، القاموس المحيط ج ۱، ص ۵۷۹.

۴ - فیروز آبادی، القاموس المحيط ج ۱، ص ۵۷۹.

۵ - نمل؛ ۲۴

۶ - سورة النمل؛ ۲۴.

۷ - سورة اعراف؛ ۱۲۰.

۸ - سورة الحج؛ ۲۶.

در داستان یوسف صدیق (علیه السلام) می خوانیم: «وَرَفَعَ أَبُوبِهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا»^۱ و پدر و مادرش را بر تخت نشاند و همه برای یوسف سجده کردند.

ذکر این تاریخ قرآنی برای سجده که نهایت خشوع و خضوع و تکریم و تعظیم است، وقتی اهمیت می یابد که محل پرستش خداوند متعال «مسجد» نامیده شده است. ممکن است این نام گذاری به این دلیل باشد که خشوع و خضوع حقیقی فقط و فقط در مقابل خداوند جایز است. البته سجده‌ی در برابر خداوند منحصر به مسجد نیست و مؤمن همه جا باید در برابر پروردگار خود سجده کند. در این باره پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهْرًا»^۲ زمین، برای سجده و پاک کننده قرار داده شده است.

۲- مشتقات و ریشه های واژه ی «مَسْجِد» و «مَسْجِد»

الف. واژه ی «مَسْجِد» و «مَسْجِد» در لغت

واژه ی مسجد در بعضی از لهجه های قبایل عربی به صورت «مسید» آمده است. قلب حرف جیم به یاء در میان عرب های جزیره العرب شایع است. همچنین، در اندلس و بلاد مغرب، به مسجد «مسید» گفته می شود.^۳ با اینکه لفظ مسجد و مشتقات آن مکرر در قرآن آمده است، مستشرق انگلیسی، استانلی لینیول، مسجد را برگرفته از واژه ی meschita ایتالیایی و یا mesgita اسپانیایی می داند.^۴ چنین می نماید که ورود این واژه از سریانی به عربی بعید نیست، چون زبان های عربی و عبری و سریانی و نبطی تقریباً ریشه ی واحدی دارند؛ ولی گفته ی لینیول بعید به نظر می رسد و اگر تشابهی وجود دارد صرفاً تصادفی است یا اینکه از عربی به این زبان ها وارد شده است.

«مسجد» به فتح جیم به معنای پیشانی یا اثر سجده و همچنین بر نماز نیز اطلاق شده است.^۵

سیبویه ی نحوی «مسجد» به فتح جیم را بر کاری اطلاق کرده است که عنوان عبادت دارد.^۱ ابن عربی نیز آن

۱- سورة یوسف: ۱۰۰.

۲- برای توضیح بیشتر این روایت رجوع شود به کتاب «شرح لمعه باب طهارت»، تالیف شهید ثانی.

۳- طه ولی، المساجد فی الاسلام ص ۱۳۶.

۴- المساجد فی الاسلام ص ۱۳۸.

۵- منتهی الأرب. ذیل ماده ؛ سجد.

آن را به معنای محراب‌البیوت گرفته است.^۲ برخی دیگر نیز به معنای مواضع هفتگانه‌ای دانسته‌اند که هنگام سجده بر زمین نهاده می‌شوند.^۳ اگر «مسجد» به کسر جیم خوانده شود، اسم است برای محل عبادت، خواه در آن «سجده» بشود یا نشود.^۴ در میان زرتشتیان به جای لفظ «مسجد» لفظ «مزگت» یا «مزکت» تلفظ شده است.^۵

ب: واژه‌ی «مسجد» در شعر

واژه‌ی مسجد در زبان شعری به دوگونه تعریف شده است:

الف) معنای ظاهری یا صوری؛

ب) معنای کنایی یا ضمنی.

در معنای صوری، مسجد به معنای محل سجده در برابر خداوند است اما در بُعد ضمنی در شعر، به معنای «خاکساری»، «تواضع» و «احترام» است که مقوله‌ای کاملاً روحی و قلبی است.^۶ به این شعر حافظ توجه کنید:

دوش از مسجد سوی میخانه، آمد پیر ما چيست ياران طريقت بعد از اين تدبير ما

واژه‌هایی چون دوش، میخانه، پیر و یاران طریقت که در کنار مسجد آمده‌اند، خودبه‌خود مفهوم ظاهری را از مسجد گرفته‌اند و معنایی ضمنی به آن بخشیده‌اند. بنابراین، هر چند در این بیت مسجد به همان معنای حقیقی و ظاهری خود (محل سجده) است، اما معنایی گسترده‌تر دارد. حافظ در جای دیگری از واژه‌ی مسجد چنین بهره می‌گیرد:

۱- الاقرب الموارد - علامه طباطبایی (ره) نیز در ذیل آیه شریفه «و ان المساجد لقد ...» به همین معنا گرفته است.

۲- اللسان العرب. ذیل ماده؛ سجد.

۳- همان مدرک.

۴- الاقرب الموارد - اللسان العرب. ذیل ماده؛ سجد.

۵- کشاف اصطلاحات الفنون - منتهی الإرب. ذیل ماده؛ سجد.

۶- واژه مسجد در معنای ظاهری اش دارای یک معنا و مضمون کاملاً فشرده است اما همین واژه در مواردی در زبان شعری دارای معنای گسترده‌تر و تأویلی و استعاری نیز می‌باشند. به هر حال مقصود از معنای فشرده مسجد همان معنای ظاهری و مراد از معنای گسترده همان معنای کنایی آن است. سایر ارکان مسجد نیز نظیر: گلدسته‌ها، محراب، شبستان، گنبد و حتی ستون‌ها و منبر نیز در شعر دارای این دو معنا می‌باشد.

یاد باد آن که خرابات‌نشین بودم و مست آنچه در مسجدم امروز نبود آنجا بود

در این بیت، مسجد به معنای ضمنی یا مجازی به کار رفته است که معنای آن چنین است: یاد آن زمان که من از ظاهر شریعت فارغ بودم، به خیر که در آن حال مقامات و صفاتی داشتم که امروز در سیرت شریعتی و و ظاهر مسجدی‌ام ندارم. گویا حافظ می‌گوید: در کنار رعایت شریعت و رفتن به مسجد که نماد مقیدبودن به شریعت است، به باطن و حقیقت شریعت نیز توجه کنید که مستی نماد آن است.

۳- بررسی واژه‌ی «مَسْجِد» در قرآن

قرآن کریم به عنوان اولین کتاب تدوین‌یافته در جزیره‌العرب، ابتداء بذر انسجام و وحدت را در میان قبایل مختلف کاشت و سپس به صورتی معجزه‌آسا لغات پراکنده قبایل عرب را جمع‌آوری کرد. دایره‌ی وسیع لغات در قرآن کریم و مشتق‌سازی‌های شگفت‌انگیز آن ایمان به اعجاز قرآن را در اندیشه‌ی اعراب جای داد. عرب‌ها می‌دانستند که آیات قرآن از ناحیه‌ای بسیار فراتر از توان بشری صادر می‌گردد. در آغاز، درک این معنا مشکل بود و در اوائل دعوت به اسلام، گاه الفاظ قرآنی را سحر و جادو تلقی می‌کردند؛ اما کم‌کم پایه‌های ایمان به خداوند متعال در ذهن و فکر آن‌ها استوار شد. در مواردی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) الفاظی را اختراع می‌فرمود که بین اعراب متداول نبود. به عبارت دیگر، اصل و ریشه‌ی آن کلمه در اذهان عمومی وجود داشت اما مشتقی که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌ساخت برای مردم غریب و ناآشنا بود. برای مثال، زمخشری به این آیه اشاره می‌کند: «و لا تُلقوا بایدیکم إلی التَّهْلُکَةِ»^۱ «هیچگاه عرب ماده‌ی «هَلْکَ» را بر وزن «تَفْعَلُهُ» را استعمال نکرده بود؛ اما خداوند متعال در قرآن کریم این ماده را بر این وزن بر زبان مبارک پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) جاری ساخت.»

نمونه‌ی دیگر این نوع مشتق‌سازی‌ها در کلام پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) لفظ «مسجد» و دیگر مشتقات واژه‌ی «سَجَدَ» است. هرچند، ریشه‌ی این واژگان، یعنی ماده‌ی «سَجَدَ»، و برخی از مشتقات آن در کلام عرب وجود داشته است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هنگام استعمال این واژه، در قالب اسم مکان، هیچ نوع تغییر

۱- سورة بقره؛ آیه ۱۹۵.

در اصل معنای لغوی آن ایجاد نکرد و مردم هرچند با ساختمان ترکیبی لفظ مسجد آشنا نبودند، اما در مواجهه‌ی با آیات مسجد، اصل معنای واژه «سَجَدَ» را می‌شناختند و مشتقات قرآنی براساس همان معنای متعارف معنی می‌شد. به‌هرحال، نام پرستشگاه رسمی و اجتماعی مسلمانان «مسجد» گذاشته شد تا نشانی باشد بر نهایت عظمت مسجود. لطف این نام‌گذاری وقتی آشکار می‌شود که آدم خود مسجود ملائکه است و خداوند متعال مسجود همه‌ی موجودات جهان هستی. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) این واژه فقط در مورد خدا به‌کار برد و به کارکرد این واژه وحدت معنایی بخشید. واژه‌ی مسجد مکرر در قرآن به‌کار رفته است که در ۲۲ مورد مفرد^۱ و در ۶ مورد دیگر جمع است.^۲ مسجد معمولاً در آیات قرآنی به مکان مقدسی اشاره می‌کند که مخصوص عبادت خداست اما به ساختمانی اسلامی خاصی اشاره نمی‌کند.

در تفسیر «مجمع‌البیان»، درباره‌ی کلمه‌ی «مساجد» (ذیل آیه‌ی «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۳،^۴) چهار معنا از مفسران نقل شده است: مواضع هفت‌گانه‌ی انسان در هنگام سجده؛ همه‌ی زمین؛ نماز؛ مکان عبادت مسلمانان. معنای اخیر روشن‌ترین معنا برای آیه‌ی مورد بحث است.^۵ در مورد معنای کلمه‌ی «مسجد» در آیه‌ی «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ»^۶،^۷ نیز مباحثی مشابه مطرح شده است.^۸ اگر واژه‌ی مسجد را به معبد و پرستشگاه مسلمانان تفسیر کنیم، از این آیه استفاده می‌شود که مسجد جایگاه دعا و عبادت خالصانه است؛ زیرا

۱ - سوره بقره؛ آیات ۱۴۵، ۱۹۱، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۹۶، ۲۱۷ - سوره مائده، آیه ۲ - سوره اعراف؛ آیه ۲۹، ۳۱ - سوره انفال؛ آیه ۳۴ - سوره توبه؛ آیه ۷ - سوره کهف؛ آیه ۲۱ - سوره عنکبوت؛ آیه ۷ - سوره فتح؛ آیه ۲۵، ۲۷ - سوره حج؛ آیه ۲۵.

۲ - سوره بقره؛ آیه ۱۴، ۱۸۷ - سوره توبه؛ آیه ۱۷، ۱۸ - سوره حج؛ آیه ۴۰ - سوره جن؛ آیه ۱۸.

۳ - و مساجد ویژه خداست پس هیچ کس را با خدا بخوانید

۴ - سوره جن؛ آیه ۱۸.

۵ - در روایتی که از پیامبر | و اهل بیت (علیه السلام) پیرامون تفسیر آیات قرآن مجید وارد شده فراوان یافت می‌شود که ایشان گاه برای یک آیه معانی گوناگونی را ذکر کرده‌اند؛ این امر گویای علم گسترده آنان با متون قرآن و معانی پوشیده آن است.

۶ - بگو پروردگرم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنی و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌ای وی را بخوانید همان‌گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی‌گردید

۷ - اعراف: ۲۹.

۸ - فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱۱.

خداوند متعال ابتدا انسان را فرمان می‌دهد که در مسجد حضور یابد، سپس از او می‌خواهد که دعا و عبادت خویش را با اخلاص کامل انجام دهد.

۴- تحلیل گزاره‌های لغوی و قرآنی واژه «مسجد»

اگر مجموع کاربردهای واژه‌ی مسجد در لغت و تفسیر آیات قرآنی را در دو تعریف کلی منسجم و متمرکز کنیم، چنین می‌شود:

۱- «نمازگاه» یا «سجدگاه» است و البته، «هر جا فردی نماز بخواند، مسجد است»؛^۱

۲- «مکانی برای خضوع و خشوع در برابر خداوند متعال».

نقد و بررسی تعریف اول درباره‌ی مسجد

اگر مسجد را به معنای اول (نمازگاه) بدانیم، دیگر نباید کارکردهای مسجد را طبق معنای لغوی آن تعیین کنیم، یعنی نباید ملاک تأسیس و فعالیت‌های مشروع مسجد را نماز به حساب آوریم؛ زیرا با چنین کاری بین تعریف مفهومی واژه‌ی مسجد و بیان فلسفه و نوع کارکردهای مسجد رابطه‌ای ایجاد کرده‌ایم که سرانجام ما را به اشتباهی جدی خواهد انداخت. برخی از اهل لغت مسجد را به معنای لغوی تفسیر کرده‌اند و بسیاری از مؤمنان نیز به اشتباه گمان دارند که تأسیس مسجد صرفاً برای نماز خواندن و سجده است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) همواره مسلمانان را به اقامه‌ی نماز جماعت فرامی‌خواند اما هیچ‌گاه آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مسجدی را صرفاً برای نماز بنا نکرد. برخی بدون لحاظ مراحل علمی و دقت در کاربردهای قرآنی و مطالعه در سنت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، براساس همین معنای لغوی، فعالیت‌های مسجد را به کمترین حدّ ممکن تقلیل داده‌اند و فعالیت‌های دیگر را منافی یا مخالف شأن و هدف مسجد تلقی می‌کنند. در نگاه این دسته، هر چه از این کارکرد مرکزی (نماز) دور شویم، از اصالت و مشروعیت مسجد کاسته خواهد شد.

پیامد این نوع نگاه غلط به مسجد این است که رسالت اصلی مسجد که همان بروز و ظهور در جامعه است، از بین می‌رود. با چنین تفسیر اشتباهی، مسجد به دست حکومت‌هایی می‌افتد که به دنبال جدایی دین از سیاست هستند. مسجد فقط جای سجده نیست بلکه ذکر خدا و یاد او در قالب دعا و نیایش،

۱. صحیح مسلم، ج ۲ ص ۶۳.

رکوع و قیام هم در مسجد انجام می‌گیرد. علاوه بر اینکه در آیین اسلام، مسجد تنها جای عبادت نیست و مسلمانان می‌توانند بیشتر عبادات خود را در منزل به جای آورند. برخلاف آیین مسیحیت و یهودیان که عبادت‌های خود را فقط در کلیسا و کنیسه‌ها انجام می‌دهند.

نقد و بررسی تعریف دوم درباره‌ی مسجد

اگر مسجد را به معنای دوم (مکانی برای خضوع و خشوع در برابر خداوند) تفسیر کنیم، جواز صدور بسیاری از کارهای خیر آدمی در مسجد داده می‌شود؛ زیرا در بیشتر فعالیت‌های مسلمین، ماهیت خشوع و خضوع در برابر خداوند متعال به چشم می‌خورد. از این رو، هر نوع فعالیت‌هایی را در مسجد باید مشروع تلقی کرد. در این تفسیر، عنصر زمان نقش تعیین‌کننده‌ای در تشخیص فعالیت‌های مسجد دارد. اولین ضعف این شیوه‌ی تفسیر درباره‌ی کارکردهای مسجد این است که ملاک تعیین آن‌ها مبهم است؛ زیرا نداشتن حدومرزی ثابت و مشخص برای تعیین کارکردهای مشروع مسجد، موجب می‌شود که مسلمانان، در هنگام تطبیق مصادیق، دچار افراط و تفریط و خطا بشوند. افزون بر آنکه، حاکمان به ظاهر اسلامی می‌توانند فعالیت‌های مسجد را در حد همان معنای ظاهری «خشوع و خضوع در برابر خداوند متعال» تفسیر کنند. آیا مدیران مساجد می‌توانند با تعریف مسجد به نمازگاه بیشتر فعالیت‌های اجتماعی مساجد را نوعی بدعت و خلاف کارکردهای اصلی مسجد تلقی کنند؟ آیا مدیران مساجد می‌توانند با تعریف مسجد به محل خضوع و خشوع در برابر خداوند متعال، هر نوع فعالیت‌هایی را با مسجد مرتبط سازند؟

برای پاسخ به این دو سؤال، لازم است که توجه خوانندگان عزیز را به سه نکته‌ی مهم جلب کنیم:

اول، به صرف تعریف شرح‌الاسمی یا لغوی از واژه‌ی مسجد نباید به سراغ تعیین کارکردهای شرعی مسجد رفت و فعالیت‌های آن را بر شمرد. بیشتر آنچه در آیات قرآنی آمده است، صرفاً تعریف واژه مسجد است و نمی‌توان کارکردهای مسجد را از آن بیرون کشید.

دوم، در بحث تعیین کارکردهای مسجد، نباید ماهیت آن را چنان کلی تعریف کنیم که در وقت بیان مصداق، مورد سوء برداشت قرار گیرد؛ زیرا در این صورت، هرکسی طبق سلیقه‌ی خود کارکردهای مسجد را تعیین خواهد کرد.

سوم، تا وقتی مؤسس و صاحب امتیاز مسجد و متولیان حقیقی آن معلوم نگردد، سخن از فعالیت‌های شرعی یا اصلی مسجد، بی‌فایده و گمراه‌کننده است.

فصل دوم : جایگاه مسجد در اسلام

۱- تأسیس اولین مسجد در تاریخ اسلام

هجرت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از مکه به مدینه یکی از وقایع مهم تاریخ اسلام است. این حرکت بسیار مهم سیزده سال بعد از ظهور اسلام اتفاق افتاد و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ده سال پس از این هجرت در مدینه و در قید حیات بودند. از این رو، هجرت در وسط جریانات تاریخی اسلام قرار گرفته است و مورخان تاریخ اسلام را به دو بخش عمده‌ی قبل و بعد از هجرت تقسیم می‌کنند. به دلیل این تقسیم‌بندی، گزارش‌های تاریخی مربوط به تأسیس اولین مسجد گاه در پایان بخش اول و گاه در آغاز بخش دوم آمده است و این اختلاف، سبب اختلاف نظرهایی در این باره شده است. یکی از امتیازات ما شیعیان این است که در همه‌ی مسائل، حتی در گزارش‌ها تاریخی، پیرو سخن امامان معصوم (علیهم‌السلام) هستیم. آن بزرگواران با صداقت و امانت‌داری بسیاری از معارف و حتی حوادث تاریخی اسلام را در اختیار نسل‌های بعد قرار داده‌اند. در این مسئله‌ی تاریخی نیز، صحیح‌ترین و معتبرترین نقل، روایت معصومان از این واقعه است که اختلاف نظر را برای ما از بین می‌برد. در اینجا دو روایت مبارک را نقل می‌کنیم که مرحوم کلینی، در کتاب شریف کافی، آورده است:

الف. «قد روی الكلینی فی فروع الکافی بسنده عن الصادق (علیه‌السلام) قال: «إِنَّ الْمَسْجِدَ الَّذِي أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى فِي قَوْلِهِ سُبْحَانَهُ: (لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ) هُوَ مَسْجِدُ قُبَا... فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَسْجِدٍ صَلَّى فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فِي هَذِهِ الْعَرِضَةِ»، مرحوم کلینی حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) در کتاب فروع کافی نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: آن مسجدی که براساس تقوا بنا نهاده شد، به فرموده‌ی خداوند «همانا مسجدی که بنیاد شده است براساس پرهیزکاری از نخستین روز سزاوارتر است که

در آن به پای ایستی» همان مسجد «قبا» است. قبا اولین مسجدی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آن دوران، در آن نماز به جای آورد.^۱

ب. «رَوَى الْكَلْبِيُّ فِي فُرُوعِ الْكَافِي بِسَنَدِهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عَوْفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: «فَنَزَلَ مَعَهُ ثُمَّ تَحَوَّلَ مِنْهُمْ إِلَى بَنِي سَالِمِ بْنِ عَوْفٍ وَ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) مَعَهُ مَعَ طُلُوعِ الشَّمْسِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَخَطَّ لَهُمْ مَسْجِدًا وَ نَصَبَ قِبْلَتَهُ إِلَى «بَيْتِ الْمُقَدَّسِ» وَ صَلَّى بِهِمْ فِيهِ الْجُمُعَةَ رَكْعَتَيْنِ وَ خَطَبَ خُطْبَتَيْنِ، ثُمَّ رَاحَ (بعد العصر) مِنْ يَوْمِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ»، مرحوم کلینی در کتاب فروع کافی حدیثی نقل می کند از سعید بن عوف و او از علی بن الحسین (علیه السلام) نقل می کند که آن حضرت فرمودند: زمانی که حضرت علی (علیه السلام) به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رسید، آن حضرت در قبیله ی بنی عمرو بن عوف بود، پس به محضر ایشان شرفیاب شد و سپس باهم به طرف قبیله ی بنی سالم بن عوف حرکت کردند و هنگام طلوع خورشید روز جمعه به آن جا رسیدند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مسجدی را برای آن قبیله خط کشی نمود و قبیله ی آن را به سوی بیت المقدس قرار داد و سپس دو رکعت نماز جمعه با آنان خواند و دو خطبه ایراد فرمود و عصر همان روز به طرف مدینه حرکت کردند.^۲

۲- دیدگاه اسلام درباره ی کیفیت بنا و ساختمان مسجد

قبل از تحلیل گزاره های تاریخی و برای تحقیق بیشتر به این پرسش می پردازیم که آیا نوع بناء و کیفیت ساختن مسجد در اسلام تشریح شده است یا خیر؟ یعنی آیا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای چگونگی ساخت مسجد دستوری شرعی صادر فرموده است یا اینکه این امر را به مسلمانان واگذار کرده است؟ اجمالاً آنچه دو روایت معروف مرحوم کلینی برمی آید این است چنین دستوری صادر نشده است. چنان که در روایت آمده بود، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) صبح جمعه وارد قبیله ی بنی سالم بن عوف شد و ظهر جمعه نماز را به جای آورد و عصر همان روز به طرف مدینه حرکت کرد. مسلم است که در این فرصت نیم روز نمی توانست هم با مردم قبیله دیدار کند و هم نقشه ی ساختمانی مسجد را پی ریزی کند. در نحوه ی ساخت مسجد مدینه نیز

۱- موسوعه تاریخ الاسلامی. محمد هادی غروی ج ۲: ص ۱۵.

۲- همان مدرک سابق.

دستور خاصی صادر نشد و صرفاً به تناسب خانه‌های مدینه ساخته و به حسب نیاز مردم توسعه داده شد. در فصل سرما، بر آن سقف زده شد ولی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نمی‌خواست ساختمان مسجد از حد متعارف خانه‌های مدینه بالاتر باشد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) شیوه‌ای ساده در بنای مسجد برگزید تا موجب شبهه یا طعنه‌ی منافقین نشود و چنین برداشت نکنند که حضرت (صلی الله علیه و آله) می‌خواهد برای مسجد و خانه‌ی خود که در جوار مسجد بود، بنای بزرگی هم‌سنگ قصر پادشاهان بنا کند.^۱

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ساختمان مسجد را به گونه‌ای بنا کرد که در کنار خانه‌های دیگر سؤال برانگیز نباشد و باعث تضاد در معارف اسلامی نگردد. از این رو، حضرت (صلی الله علیه و آله) از تجملات و به‌کارگیری وسایل و مصالحی پرهیز کرد که در عموم خانه‌های مدینه استفاده نمی‌شد. نخستین مساجد بسیار ساده ساخته می‌شد و نسبتاً کوچک بود. مساجد دیواری گلی و سقفی از شاخه‌های خرما داشت. در واقع، هدف این بود که نمازگزاران در مقابل تغییرات شدید جوی حفظ شوند.^۲ در تاریخ آمده است که می‌خواستند سقف مسجد را با گچ محکم و زیبا کنند که حضرت نپذیرفتند و فرمودند: «لا، عَرِيشٌ كَعَرِيشِ مُوسَى»، لازم نیست، بلکه می‌خواهم مسجد همانند مکانی باشد که حضرت موسی (علیه السلام) در آن خداوند متعال را عبادت می‌کرد.^۳ البته، شاید این سخن کنایه‌ای باشد به تحریف آیین یهود. معبدها و کنیسه‌های یهودیان از حالت عبادت‌گاه درآمده بود و عملاً مرکزی برای حاکمان یهود شده بود. برنامه‌های عبادی یهود مطابق با پیشبرد اهداف حکومتی طرح ریخته می‌شد و به‌طور طبیعی ساختمان‌های معابد آنان نیز همانند بناهای حکومتی شد. برخی از مساجد اولیه در اسلام: مسجد فضیخ، مسجد غمامه، مسجد الإجابة، مسجد ذباب، مسجد جمعه و

۱- موسوعه تاریخ الاسلامی؛ ج ۲، ۲۵.

۲- ارنست کونل، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، ص ۱۲.

۳- موسوعه تاریخ الاسلامی؛ ج ۲، ۲۵.

مساجد سبعة (مسجد فتح، مسجد علی (علیه السلام)، مسجد سلمان، مسجد فاطمه (سلام الله علیها)، مسجد ذوقبالتین^۱، مسجد ابوبکر، مسجد عمر).

در مدینه، مساجد دیگری نیز، غیر از مسجدالنبی، ساخته شد؛ اما پس از آنکه منافقان مسجد ضرار را ساختند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دستور خداوند آن را ویران کرد، هرگاه مسلمانان می‌خواستند مسجدی بسازند، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) اجازه می‌گرفتند. در بعضی مساجد مدینه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز خوانده است؛ البته نماز نخواندن ایشان به معنای تخطئه مسجد نبود. از جمله مسجدهایی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آنها به نماز ایستاد این مساجد است: مسجد بنی‌خداره، مسجد بنی‌وائل، مسجد البدائع، مسجد السجده. بعدها، به تدریج ساخت رواق، محراب، ایوان، گلدسته و گنبد در ساختمان مساجد متداول گردید و ساخت مساجد باشکوهی رایج شد که معماری‌های شگفتی داشتند. در هر شهر، تلاش گردید که برای حفظ شعائر دینی مسجدی مناسب شهر ساخته شود و کم‌کم مسجدهایی به منزله‌ی امری ضروری، برای حفظ شئون سیاسی و اجتماعی، به‌شمار آمد. در زمانی که اوضاع مناسبی بر سرزمینی حکمفرما بود، شمار مسجدها فزونی می‌یافت.

۳- پیام مساجد اولیه در صدر اسلام

در همه‌ی گزاره‌های اسلامی روح بی‌توجهی به پلیدی‌های دنیایی و زینت‌های آلوده جریان دارد. هرگز میان احکام اسلام و تجملات زائد رابطه‌ای وجود ندارد. اسلام با هنر و ذوق هنری نقاشی و حجاری و غیره مخالفتی ندارد، زیرا هنر در زندگی بشر نقش‌آفرین است و ارزش‌های فراوانی دارد؛ اما هنر در عبادت از نوع هنرهای ظاهری نیست. آرایش دل و روح انسانی ابزاری دیگر می‌طلبد که بر هنرمندان حقیقی و صاحبان ذوق پوشیده نیست. هنرهای ظاهری نادرست نیست به شرط آنکه هنر حقیقی و معنوی فراموش نشود. امیرالمومنین علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه حکمت ۳۶۹ درباره‌ی تأسیس مسجدهای باشکوه در

۱ - پیامبر (ص) در سال دوم هجرت در مسجد بنی سلمه به نماز ایستاده بود. دو رکعت از نماز گذشته بود که آیاتی بر پیغمبر نازل شد و مأمور به توجه به سوی مسجد الحرام شد. «و من حیث خرجت فول وجهک شطر المسجد الحرام و حیث ما کنتم فولوا و جوهکم شطره» «پس دو رکعت دیگر را به سوی کعبه متوجه شدند. این مسجد که در آن یک نماز به سوی دو قبله خوانده شد به مسجد ذوقبالتین موسوم شد».

آخرالزمان می‌فرماید: «روزگاری بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نشانی و از اسلام جز نامی باقی نخواهد ماند. در آن روزگار، مسجدهای آنان آبادان اما از هدایت ویران است. مسجدنشینان و سازندگان بناهای شکوهمند مساجد، بدترین مردم زمین هستند که کانون هر فتنه و جایگاه هر خطاکاری‌اند».

یکی از پیام‌های عمده‌ی مساجد اولیه‌ی اسلام این است که باید از تجملات و ساخت ساختمان‌های غیرضروری خودداری کرد. در نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۲، امام علی (علیه‌السلام) درباره‌ی حج چنین می‌فرماید: «آیا مشاهده نمی‌کنید که همانا خداوند سبحان انسان‌های پیشین از آدم (علیه‌السلام) و آیندگان این جهان را با سنگ‌هایی در مکه آزمایش کرد که نه زیان می‌رسانند، نه نفعی دارند، نه می‌بینند و نه می‌شنوند. خداوند این سنگ‌ها را خانه‌ی محترم خود قرار داد و عامل پایداری مردم گردانید. سپس، او کعبه را در سنگلاخی‌ترین مکان‌ها، بی‌گیاه‌ترین زمین‌ها، کم فاصله‌ترین دره‌ها و در میان کوه‌های خشن، سنگریزه‌های فراوان و چشمه‌های کم‌آب و آبادی‌های ازهم‌دور قرار داد؛ که نه شتر، نه اسب و گاو و گوسفند، هیچ‌یک در آن سرزمین آسایش ندارند. سپس، آدم (علیه‌السلام) و فرزندانش را فرمان داد که به‌سوی کعبه برگردند و آن را مرکز اجتماع و سرمنزل مقصود و باراندازشان گردانند... اگر خداوند خانه‌ی محترمش و مکان‌های انجام مراسم حج را در میان باغ‌ها و نهرها و سرزمین‌های سبز و هموار و پردرخت و میوه... قرار می‌داد، به‌همان اندازه که آزمایش ساده بود، پاداش نیز سبک‌تر می‌شد». البته، نگارنده با هنر معماری و زیباسازی مسجد مخالف نیست؛ بلکه سخن این است که اولاً این هنر با اصول و مبانی مسجد مغایرت نداشته باشد؛ و ثانیاً هنری در ساختمان به‌کار گرفته شود که در راستای اهداف مسجد باشد و درحقیقت در خدمت رسالت اصلی مسجد باشد.

۴- تحلیل گزاره‌های تاریخی مسجد

چرا پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هنگام ورود به مدینه، بی‌درنگ ساخت مسجد را آغاز کردند؟ بررسی تاریخ جوامع بشری و موفقیت یا شکست ملت‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین ابزار تأثیر بر گروه‌های مختلف اجتماعی، ایجاد گروهی هم‌فکر و منسجم است. از این رو، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تنها راه انسجام قبایل متعدد مدینه را پی‌ریزی مکانی به‌نام مسجد دانست که همگان در آن جمع و منسجم شوند. چنین کاری علاوه بر

«دلگرمی درون‌گروهی»، راهی است برای تأثیر بر اندیشه‌های پریشان و بی‌اساس قبایل پراکنده‌ی مدینه. با این مقدمه‌ی کوتاه، «جایگاه مسجد در اسلام» را بررسی خواهیم کرد.

الف. مسجد اولین نهاد اجتماعی وحدت‌بخش در صدر اسلام

وقتی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وارد مدینه شد، ابتدا مکانی ساخت به‌نام مسجد که اولین نهاد اجتماعی مسلمانان بود. ازسویی، مسجد عبادت و تعاملات اجتماعی مسلمانان را نشان می‌داد و ازسوی‌دیگر، رابطه‌ی قبایل متعدد مدینه، مثل اوس و خزرج، را سامان می‌بخشید. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با تأسیس نهادی پاک و مقدس برای پالایش اندیشه‌های شرک‌آلود، توانست همه‌ی قبیله‌های مختلف را گرد هم آورد. او می‌دانست که با وحدت مسلمانان قدرت، تأثیر و نفوذ اسلام بیشتر و راه برای ترویج آن باز خواهد شد. بی‌شک، این چنین انسجامی به‌وجود نمی‌آمد، مگر با تأسیس مسجد؛ یعنی نهادی را که اختلافات فرقه‌ای را بزداید و همگان را هم‌ارز بداند. گواه آنکه وقتی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در میان قبیله‌ی بنی‌عمر بن عوف بودند، هیچ‌یک از خزرجی‌ها به دیدار حضرت نیامدند و گفتند که نمی‌خواهند مهمان قوم اوس بشوند. به‌همین دلیل، وقتی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به جمعیت صدنفری قبیله‌ی بنی‌سالم بن عوف رسیدند، بی‌درنگ، نخستین نهاد وحدت را در درون قبایل اوس و خزرج کاشتند و مسجد قبا را تأسیس کردند. حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای اولین بار در میان آنان نماز جمعه اقامه کردند و خطبه‌هایی درباره‌ی وحدت عقاید و انسجام اندیشه‌های مسلمانان خواندند که با چنین آغاز می‌شد: «أَفْشُوا السَّلَامَ وَ صَلُّوا الْأَرْحَامَ وَ أَطْعَمُوا الطَّعَامَ وَ صَلُّوا بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِهٖ سَلَامٌ»^۱.

در طول مسیر مسجد قبا تا ورود به مدینه، بسیاری از بزرگان اوس و خزرج از آن حضرت (صلی‌الله‌علیه‌وآله) درخواست می‌کردند که در منطقه‌ی آنان مسجدی بنا کند. درحقیقت، این پیشنهاد نشان می‌دهد که آن‌ها هنوز پیام تأسیس مسجد قبا را دریافت نکرده بودند. این بار، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با

۱ - مستدرک الوسائل ج: ۱۶ ص: ۲۴۶- خوب است خواننده عزیز بداند که این خطبه‌ی اولین خطبه‌ی پیامبر اکرم در هنگام ورود به مدینه است و در اولین نماز جمعه در مسجد قبا ایراد فرموده است، برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب «موسوعه تاریخ الاسلامی» تألیف استاد عزیزم محقق ارجمند شیخ محمد هادی یوسفی غروی، ج ۲، ۴۰.

شگردی دیگر، همگان را به وحدت و همگرایی فراخواند و با سپردن کار تعیین مکان به شتر راه اختلاف را بستند. ایشان فرمودند: «خَلُّوا سَبِيلَ النَّاقَةِ فَإِنَّهَا مَأْمُورَةٌ»،^۱ افسار شتر را رها کنید (راه شتر را باز کنید)، زیرا او مأموریت دارد جای مسجد را مشخص کند. در واقع، پیامبر (صلی الله علیه و آله) افسار شتر را از میان جنگ قبیله‌ها بیرون کشید تا رسالت جهانی اسلام رنگ‌وبوی قبیله‌ای به خود نگیرد.

مخالفان و اعراب اهل کتاب که به دنیا و لذات آن گرایش داشتند، نمی‌توانستند به سادگی با پیامبر ساده‌زیست مسلمانان همراه شوند، لذا برای اثبات حقانیت خویش در عدم همراهی با او، سعی می‌کردند بنیان‌های اقتصادی تازه‌ی مسلمانان را تخریب کنند. بهترین فرصت برای ایشان وقتی بدست می‌آمد که مسلمانان را دور از هم و متفرق ببینند تا بتوانند با مکر و حیله و تطمیع و تهدید، آن را به سمت خود فراخوانند. در چنین فضایی، با توجه به محیط جغرافیایی حجاز و فقر نسبی آن (در مقابل شام و روم شرقی، ایران و حتی مشرکان مکه و یمن)، کاهش شور اولیه‌ی پیدایش اسلام، پیامبر (صلی الله علیه و آله) باید، به‌طور مداوم، مسلمانان را جمع و به مشکلات آنان رسیدگی می‌کرد. او باید وضع نابسامان اقتصادی ایشان را سامان می‌بخشید و روحیه‌ی سیاسی، اخلاقی، فرهنگی و جهادی آنان را تقویت می‌کرد. مسجد جایگاهی بسیار مناسب و ابزاری کارآمد برای این رسالت نبی (صلی الله علیه و آله) بود.

ب. مسجد اولین مکان طرح اندیشه‌های اجتماعی

مسجد برای عبادت اجتماعی مسلمانان شکل گرفت. علاوه بر آن مسجدالنبی پایگاه بحث و استدلال در مورد دین جدید بود. افرادی از دور و نزدیک برای شنیدن پیام خدا و سنجیدن کلام رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌آمدند. برخی هم برای امتحان مدعی نبوت می‌آمدند و در نهایت، تسلیم حق می‌شدند یا برای بررسی بیشتر مهلت می‌گرفتند. تازه‌مسلمانان هم برای شنیدن پاسخ سؤالات شرعی خویش سراغ پیغمبر خدا را می‌گرفتند. اگر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) را حاکم حکومت بدانیم، دارالحکومه اش مسجد بود و اگر بشیروندیرش بدانیم، پایگاه تبلیغی اش مسجد بود. با این رفت‌وآمدها و گفتگوها حقیقت اسلام بر ناظران آگاه آشکار می‌شد. سادگی،

۱ - الکافی ج: ۸ ص: ۳۳۹

صداقت، صلابت و قدرت درکنار مدیریت و حرف‌شنوی بیروان، دلربا و پرجاذبه بود. حلم و بردباری و اخلاق فوق‌العاده‌ی امین وحی خدا هر تازه‌واردی را مسرور می‌ساخت و همه‌ی این موقعیت‌های جذاب را مسجد، به‌همراه متولی آن یعنی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، به ارمغان آورده بود. درحقیقت، مسجد ریاست و محبت را همراه کرده بود.

به‌هرحال، بررسی دو مسجد نخست صدر اسلام نشان می‌دهد که حضرت به‌دنبال نهادی وحدت‌بخش و مرکزی برای تجمع همه‌ی قبائل بود. گویی یکی از اصلی‌ترین کارکردهای شرعی مسجد، ایجاد منطقه‌ای امن است برای گروه‌های مختلف در جوامع اسلامی. مسجد مرکز تجمع همه‌ی اندیشه‌هاست که برای کارهای مهم اجتماع تصمیم‌گیری می‌کردند. تصمیم‌گیری اجماعی ضامن اجرایی کارها نیز بود. برای همه‌ی افراد جامعه معلوم بود که فکر و ایده‌ی مسجد همان رأی و نظر صاحب و متولی مسجد است و متولی مسجد، یعنی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ناظر بر امور است. از رهاورد این تحلیل در می‌یابیم که بدون لحاظ وضعیت تأسیس مسجد و متولیان راستین، نمی‌توان کارکردهای شرعی مسجد را مشخص کرد. شناسایی متولی و تصمیم‌گیری‌های منسجم با یکدیگر و هماهنگ با او ضامن اجرایی کارها است. از این رو، قبل از تعیین کارکردهای اصلی و شرعی مسجد، باید درباره‌ی صاحب‌امتیازان تأسیس مسجد در اسلام سخن بگوییم.

فصل سوم: صاحب‌امتیاز تأسیس مسجد در اسلام

۱- قرآن و متولیان راستین مسجد

قرآن کریم ساختن و تعمیر مسجد را شایسته کسانی می‌داند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند. در این باره دو آیه‌ی شریفه را بررسی می‌کنیم:

الف. «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»^۱ همانا مساجد خدا را کسی آباد می‌کند که به خدا و روز قیامت ایمان

۱- توبه: ۱۸.

دارد، نماز را به پا می‌دارد، زکات می‌دهد و از کسی جز خدا نمی‌ترسد؛ امید است آنان از هدایت‌شدگان باشند.

از این آیه‌ی شریفه درمی‌یابیم کسانی حق دارند مسجد بسازند که این ویژگی‌ها را داشته باشند:

۱- ایمان به خداوند متعال؛

۲- ایمان به تحقق معاد و روز رستاخیز؛

۳- اقامه نماز؛

۴- پرداخت زکات (مالیات اسلامی)؛

۵- ترس از خداوند متعال.

ب. «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ»^۱، مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند، درحالی‌که به کفر خویش گواهی می‌دهند. آنان اعمالشان تباه و بی‌ارزش است و در آتش جاوید جهنم خواهند ماند.

از آیه‌ی مزبور استفاده می‌شود که مشرکان و بت‌پرستان حق مشارکت در مرمت، تعمیر، ساخت‌وساز و تأسیس بنای ساختمان مساجد را ندارند. همه‌چیز باید به‌دست مسلمانان باشد و دست‌های آلوده و ناپاک باید از این کار منع شوند که به‌دلیل ریاست‌طلبی یا کسب شهرت یا هر انگیزه‌ی غیرخدایی دیگر می‌خواهند مسجد بسازند.

اولین مصداق حقیقی که شرایط موجود در آیه‌ی اول را دارد و به‌معنای حقیقی ایمان دارد، وجود مبارک پیامبر اکرم (صل‌الله‌علیه‌وآله) است. دومین مصداق امامان معصوم (علیهم‌السلام) هستند که به‌دلیل وجود همین شرایط جانشینان به‌حق پیامبر اکرم (صل‌الله‌علیه‌وآله) شده‌اند. در مرتبه‌ی بعد، علمای راستین اسلام قرار دارند که وارثان حقیقی انبیاء و اوصیای الهی به‌شمار می‌آیند.

۱- توبه: ۱۸.

۲- قرآن و متولیان فاسق مسجد

بعد از بیان این دو آیه‌ی شریفه و معرفی مصادیق بارز کسانی که حق تأسیس مسجد را دارند، معلوم می‌شود که چرا پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دستور دادند مسجد ضرار تخریب شود. برای روشن شدن مسیر بحث داستان مسجد ضرار را به اختصار بیان می‌کنیم. قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا...»^۱ کسانی که مسجدی ساختند برای زیان به مسلمانان و تقویت کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمین‌گاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود، آن‌ها سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی و خدمت اراده‌ای نداشته‌ایم، اما خداوند گواهی می‌دهد که آن‌ها دروغگو هستند، هرگز در آن (مسجد) به عبادت نایست!

اسلام از نمازگزاردن در مسجدی که با هدف تضعیف دین بنا شده است، نهی می‌کند و نمازگزاران باید توجه کند که در چه مسجدی نماز می‌گذارند و نمازشان موجب رونق بخشیدن به جمع دشمنان نباشد. مولوی درباره‌ی هدف تأسیس مسجد ضرار چنین می‌سراید:

این چنین کژ بازی می‌باختند مسجدی جز مسجد او ساختند
فرش و سقف و قبه‌اش آراستند لیک تفریق جماعت خواستند

در کتاب شریف «مجمع البیان»، در تفسیر «وَأِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ»^۲ آمده است: مسجد ضرار را برای بازگشت ابوعمار راهب ساخته بودند. ابوعمار همان کسی است که قبلاً با خدا و رسولش جنگیده بود. در زمان جاهلیت، او جامه‌ای پشمی می‌پوشید و رهبانیت پیش گرفته بود؛ اما وقتی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به مدینه رفت، به آن حضرت حسادت ورزید و احزاب را علیه ایشان بسیج کرد. او پس از فتح مکه، به طائف گریخت و وقتی مردم آنجا مسلمان شدند، او به شام و از آنجا به روم رفت و مسیحی شد. ابوعمار پدر حنظله (غسیل الملائکه) است. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ابوعمار را فاسق نامید. وی به

۱- توبه: ۱۰۸-۱۰۷.

۲- مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۱۰ (به نقل از بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۵۲).

مناققان پیغام داده بود: خود را آماده کنید و مسجدی بسازید، زیرا من نزد قیصر می‌روم و با سپاهیان او خواهم آمد و محمد (صلی الله علیه و آله) را از مدینه بیرون می‌کنم! مناققان منتظر برگشت ابوعامر بودند، اما او پیش از رسیدن به نزد پادشاه روم، به هلاکت رسید. خداوند پیامبرش را از نیت پلید و باطن کثیف مناققان آگاه کرد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در برگشت از غزوه‌ی تبوک، عاصم بن عوف عجلانی و مالک بن رخشم را فرستاد و فرمود: «به سوی این مسجدی بروید که طرفدارانش ستمگرند و آن را ویران کنید و بسوزانید». پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستور داد آن محل را به زباله‌دانی و جای انداختن لاشه‌ها و مردارها تبدیل کنند. مولوی همین دستور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را چنین سروده است:

چون پدید آمد که آن مسجد نبود خانه حیلت بد و دام یهود
پس نبی فرمود کان را بر کنید مطرحه خاشاک و خاکستر کنید

۳- رابطه‌ی نیت ساخت مسجد با تعیین کارکردهای آن

جمله‌ی «لم یخس الا الله»، در آیه‌ی نخست روشن می‌کند که عمران، آبادی و نگهداری مساجد ممکن نیست مگر به شرط «خدا باوری» و «ترس از خداوند متعال». آن هنگام این کانون‌های اسلامی به مرکزهای انسان‌سازی تبدیل می‌شوند که پاسدارانی دین‌باور داشته باشند؛ کسانی که از هیچ‌کس جز خدا نترسند، تحت تأثیر هیچ مقام و قدرتی قرار نگیرند و برنامه‌ای جز برنامه‌های الهی نداشته باشند. به‌دیگر سخن، آنچه از دیدگاه قرآن مهم‌تر است، عمران و آبادی معنوی مساجد است. مسجد باید کانونی باشد برای حرکت‌ها و جنبش‌های سازنده‌ی اسلامی، برای آگاهی و بیداری مردم، برای پاکسازی محیط و آماده‌ساختن مسلمانان در دفاع از میراث اسلام. از این رو مساجد خدا را فقط کسانی می‌توانند آباد می‌کنند که به خدا ایمان دارند. اکنون، می‌توان بر پایه‌ی این تحلیل قرآنی، یکی دیگر از کارکردهای اصلی مسجد را معرفی کرد؛ یعنی پرورش دین‌داران. فعالیت‌های مسجد باید به دین‌باوری منجر شود و نتیجه‌ی برنامه‌های مسجد باید ترس از خداوند باشد. البته، چنین هدفی فقط با وجود متولیان دین‌باور امکان دارد. درحقیقت این کارکرد اصلی فقط یک ضمانت اجرایی دارد و آن این است که متولی مسجد باید واجد شرایط مذکور در قرآن

باشد؛ درغیراین صورت، مسجدی جز مسجد ضرار برپا نخواهد شد. در همین باره باید گفت که مراد از تعمیر مسجد فقط تعمیر ساختمانی نیست، بلکه نمازگزار صالح نماد آبادانی مسجد است. آبادی مسجد باحضور مسلمانان میسر می شود؛ وگرنه مسجدی که مردم در آن رفت و آمد ندارند، خراب است؛ اگرچه به بهترین شکل هنری و معماری درست شده باشد.

در روایات و احادیث معصومان، تشویق های بسیاری برای ساخت و تعمیر مسجد وجود دارد اما این سفارش ها و تشویق ها به این معنا نیست که هرکسی حق ساختن مسجد را دارد، بلکه مراد تشویق مؤمنان واجد شرایط است. اکنون، با چنین نگاهی به این دو روایت توجه فرمایید:

الف. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: مَنْ بَنَى مَسْجِدًا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»،^۱ امام صادق (عليه السلام) فرمود: هرکس مسجدی بنا کند، خدا برای او در بهشت خانه ای بنا می کند.

ب. «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عليه السلام) عَنْ آبَائِهِ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَرَادَ أَنْ يُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِعَذَابٍ قَالَ لَوْ لَا الَّذِينَ يَتَحَابُّونَ بِهِ جَلَالِي وَ يَعْمُرُونَ مَسَاجِدِي وَ يَسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ لَوْ لَا هُمْ لَأَنْزَلْتُ عَذَابِي»،^۲ امام صادق (عليه السلام) از پدران خود نقل می کند که فرمودند: وقتی خداوند بخواهد اهل زمین را عذابی برساند، می گوید: اگر نبود کسانی که برای من همدیگر را دوست دارند و مساجد را آباد می کنند و سحرگاهان استغفار می کنند، اگر آن ها نبودند عذاب خود را نازل می کردم.

فصل چهارم : جایگاه و نقش مسجد در حکومت ها

۱- کارکردهای مساجد در تاریخ حکومت ها

مسجد در اصل برای عبادت ساخته شد و مسلمانان در مواقع نماز در آن گرد هم می آمدند و نمازجماعت می خوانند؛ ولی از مسجد به صورت های دیگری هم استفاده می شد. به خصوص، در عصر پیامبر (صلی الله علیه وآله) و خلفا، مسجد مرکز فرماندهی سیاسی و نظامی و محل مشورت های مسلمانان بود. آنان برای رفتن به جهاد

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵.

۲- همان مدرک، ص ۴۸۶.

سربازان اسلامی در مسجد جمع می‌کردند و اخبار جنگی در مسجد به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌رسید. در مسجد، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با هیئت‌های نمایندگی بیگانگان و ادیان ملاقات می‌کرد. در مسجد، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و خلفا قضاوت می‌کردند و حدود الهی را به اجرا در می‌آوردند. قضاوت‌های حیرت‌انگیز امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نیز در مسجد اتفاق افتاده است.

از همه‌ی این‌ها مهم‌تر، تعلیم و تربیت و آموزش معارف و احکام دین در مسجد صورت می‌گرفت. قرن‌ها، مسجد آموزشگاه مهم مسلمانان و جایگاهی بود برای فراگیری علوم و آموزش‌های گوناگون. علاوه بر بیان احکام فقهی و تفسیر قرآن، اصول اعتقادات اسلامی نیز مورد بحث قرار می‌گرفت؛ همان اصولی که بعدها به‌عنوان علم کلام شناخته شد.^۱

۲- موقعیت مسجد بعد از حیات پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

پس از رحلت آن بزرگوار، مسجد از نظر تعلیم و تربیت، موقعیت ویژه‌ای یافت و در سطوح گوناگون مورد استفاده‌ی دانش‌طلبان قرار گرفت، از مرحله‌ی ابتدایی گرفته تا بالاترین مرحله‌ی علم و دانش. حلقه‌هایی برای قرآن‌آموزی، سوادآموزی و آموزش مسائل کلامی و فقهی و تفسیری تشکیل شد. برای مثال، ابن عباس در مسجد تفسیر قرآن می‌گفت^۲ یا حسن بصری در مسجد مسائل کلامی را آموزش می‌داد.^۳ از همه‌ی این‌ها مهم‌تر اینکه مسجد کوفه شاهد سخنان و خطبه‌های پر بار و انسان‌ساز و حیات‌بخش امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) بود که در بیان معارف والای توحیدی، شاهکارهایی ماندگاری هستند.

وقتی دامنه‌ی فتوحات اسلامی گسترش یافت، مساجد بزرگ و باشکوهی ساخته شد و در آن‌ها جلسات درسی متعددی تشکیل می‌شد. در مسجد جامع قاهره، به گفته‌ی مقریزی پیش از (سال ۲۴۹ ق)، حدود چهل حلقه‌ی درسی دایر بود و در هر گوشه‌ای شخصیت‌های معروف تدریس می‌کردند. این زاویه‌ها به‌نام آن‌ها شهرت یافته بود؛ مانند زاویه‌ی امام شافعی، زاویه‌ی صاحبیه و زاویه‌ی مجدیه. در زمان مقدسی

۱- دکتر زرین کوپ «کارنامه اسلام»، ص ۵۵.

۲- ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۷۵.

۳- رجوع شود به: بغدادی، الفرق، ص ۷۴.

(طلوع)، در همان مسجد، صدویست حلقه‌ی درسی شبانه دایر بود.^۱ مسجد جامع منصور در بغداد نیز چنین حکایتی دارد.^۲

۳- مسجد و سیره‌ی خلفا و سلاطین در کشورهای اسلامی

حاکمان اسلامی تلاش کردند تا با بهره‌وری از تجربه‌ی دیگران حکومت خود را سامان بخشند و براساس شریعت اسلام، نظام اداری، حقوقی، امور تجارت، امنیت، سیاست را تنظیم کنند. در این میان، مساجد و امور عبادی مردم چیزی نبود که مورد غفلت باشد، لذا عالمان، فقیهان و بزرگان دستورات عملی و آیین‌های خاصی برای اداره‌ی مساجد و نحوه‌ی دخالت حکومت‌ها تنظیم کردند. حاکمان کوشیدند تا ضمن راضی نگه داشتن مردم، از موقعیت مردمی - دینی مسجد برای تثبیت پایه‌های حکومت خود بهره ببرند. اکنون، برای آشنایی بیشتر، سیاست‌ها و روش‌های حکومت‌هایی را بررسی می‌کنیم که به نام اسلام سلطنت می‌کرده‌اند. ابی‌الحسن علی‌بن محمد بن حبیب مارودی (متوفای ۴۵۰ ه.ق) در کتاب ارزشمند خود به نام «الاحکام السلطانیة و الولایات الدینیة» درباره‌ی رابطه‌ی حکومت و مسجد مطالب مهمی را بیان کرده است که به بخش‌هایی از آن اشاره می‌شود: در ابتدا، مساجد به دو قسم تقسیم می‌شوند:

• مساجد سلطانیة

مساجدی که کاملاً حکومتی و دولتی‌اند و حاکم مستقیماً عهده‌دار امور این مساجد است. در این مساجد، امام جماعت از سوی حاکم تعیین می‌گردد و با وجود امام منصوب، هیچ امام دیگری حق امامت بر مردم را ندارد؛ هرچند فاضل‌تر و عالم‌تر باشد. زیرا، در واقع امام نماینده‌ی حاکم در مسجد است. امامت در این مساجد پنج شرط داشت: مرد بودن، عدالت، حسن قرائت، فقاہت، و سلامت جسمانی برای تلفظ صحیح کلمات و اذکار. این امامان از دولت و بیت‌المال برای تصدی امامت خود حقوق دریافت می‌کردند.^۳

۱- مقریزی، الخطط، ج ۲، ص ۲۴۶.

۲- یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۱، ص ۲۴۶.

۳- مارودی، الاحکام السلطانیة، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، جلد اول، ص ۱۰۰.

• مساجد عامه

مساجدی مردمی که توسط اهل محل، کوچه، قبیله و بازار ساخته می‌شود. در این مسجد، حکومت حق دخالت مستقیم ندارد و امام آن را خود مردم انتخاب می‌کنند.^۱

بنا بر آنچه گفتیم، درمی‌یابیم که اداره‌ی مساجد و نظارت بر شؤون آن، همیشه مورد توجه حاکمان اسلامی بوده است. بنابراین، امام جماعت جایگاه رفیعی داشته است. امروزه، اگر می‌بینیم که در مناطق سنی‌نشین، اهتمام به مساجد بیشتر است، ریشه در سنتی طولانی و تاریخی دارد؛ زیرا پس از پیامبر حکومت به‌دست آن‌ها بوده است و رسیدگی به مساجد و نظارت بر آن جزء وظایف اجتناب‌ناپذیر حکومت‌ها محسوب می‌شده است. همه‌ی حاکمان حتی اگر ظالم و بی‌اعتنا به احکام اسلام هم بوده‌اند، به مسجد نیاز داشته‌اند و رونق مساجد و شکوه نماز جمعه و جماعت را در واقع به‌معنای شکوه و اقتدار خود می‌دانسته‌اند. ابن‌اخوه در باب الثانی فی الامر بالمعروف والنهی عن المنکر از کتاب «معالم القریه» ص ۲۴، حدود اختیارات و وظایف حاکم و محتسب را در مورد مسجد چنین بیان کرده است: «نماز جماعت در مساجد و اقامه‌ی اذان برای نمازهای پنجگانه از شعائر اسلام و نشانه‌ی بندگی خداوند است. بنابراین، اگر اهل محله یا شهری تصمیم گرفتند نماز جماعت را ترک کنند، محتسب موظف است وارد عمل شود و آن‌ها را وادار نماید تا نمازها را برپا نمایند و اذان بگویند».

۴- اقتدار تشیع و مساجدشان

مذهب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) که همان مذهب جعفری بود نه تنها از جانب هیچ حکومت و سلطانی تأیید و تقویت نشد که مورد آزار زیادی نیز واقع شد. مکتب جعفری در مقابل حکومت‌های ظلم ایستادگی کرد و علی‌رغم همه‌ی مشکلات با تکیه بر آموزه‌های اهل‌بیت (علیهم‌السلام) راه خود را تداوم بخشید.^۲ با توجه به فضای نامناسبی که در مساجد ایجاد شد، حضور پیروان مذاهب مختلف در مساجد مشکل گردید. در این میان، وضع شیعیان سخت‌تر از پیروان دیگر مذاهب بود و در نتیجه، آنان به تدریج از مساجد اهل سنت فاصله گرفتند. از سویی،

۱- همان منبع، ص ۱۰۲.

۲- اسد حیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، المجلد ۱ - ۲ دار الکتب العربی، بیروت، سال ۱۳۹ هجری، چاپ دوم، ص ۱۹۰

شیعیان اجازه نداشتند مسجدی بنا کنند و از سوی دیگر، در نگاه آنان صاحب امتیازان حقیقی تأسیس مسجد فقط امامان معصوم (علیهم السلام) یا نمایندگان آنان بودند؛ از این رو بیشتر آنان به دلیل شرایط مبارزه، در خفا یا با تقیه زندگی می‌کردند. به طور طبیعی، فرهنگ حضور یکپارچه در مسجد روبه‌افول رفت و شیعیان حساسیت خود را به مساجد از دست دادند. بیشتر آنان سعی می‌کردند در خانه‌هایشان نماز جماعت برقرار کنند، ولی این کار هم ممکن نبود؛ زیرا اولاً در خانه‌های ایشان امکان تجمع بزرگ نبود و ثانیاً امیران و حاکمان چنین اجازه‌ای نمی‌دادند. با این حال، امامان معصوم (علیهم السلام) شیعیان و پیروان خود را به شرکت در مساجد ترغیب و توصیه می‌فرمودند. در عصر غیبت نیز فقها و مراجع شیعه تلاش کردند تا تشکیلاتی غیررسمی ایجاد کنند و با اعزام نمایندگانی به مراکز تجمع شیعیان، امور دینی و مذهبی آن‌ها را سامان بخشند. ایشان وکیلانی را معین می‌کردند که زکات و خمس را جمع‌آوری کنند و در حد توان مساجد و محل‌های نماز مردم را رونق بخشند. این سیره در تمامی نقاط و مراکز شیعه‌نشین توسعه یافت.

پس از تأسیس حکومت صفوی، وضع شیعیان و مسجدهای ایشان بهتر شد. از آنجاکه دولت صفویه با شعار شیعه به حکومت رسید، مسجدهای شیعیان نیز رونق بهتری گرفت. حاکمان صفوی در آغاز کار، به پیروی از سایر حاکمان اسلامی، مساجد بزرگی ساختند. در این دوران، علما و مراجع بزرگ کوشیدند که با کمک‌های مردمی و نه دولتی، به مساجد شیعی رونقی خاص ببخشند، اما چون مقدمات و امکانات مردم کافی نبود، مساجد به‌کندی به حرکت خود ادامه دادند. با این حال، مسجدها تنها جایگاهی بودند که روحانیون برای حرکت‌های دینی و اجتماعی در اختیار داشتند؛ به گونه‌ای که همه‌ی حرکت‌های انقلابی روحانیان در یک‌صدوپنجاه سال گذشته، مرهون مساجد است. در تمام این مدت، علما و مراجع در مقابل دولتی‌شدن مساجد مقاومت کردند و کوشیدند مسجد نهاد مردمی باقی بماند.

۵- امام خمینی مدافع سنگر مسجد در عصر معاصر

امام خمینی (رضوان‌الله) از باب امر به معروف و نهی از منکر، همکاری علما با دولت جائز را حرام دانستند و با این فتاوا کوشیدند که سنگر مسجد را در مبارزه با ظلم و طاغوت حفاظت و حراست کنند. امام خمینی (رضوان‌الله) از احیاگرانی است که توانست به اهداف فکری خویش برسد و علاوه بر نشر اندیشه‌ها، کتاب‌ها،

سخنرانی‌ها و تدریس، نظامی اسلامی بر مبنای فرهنگ دینی نیز تأسیس کند. وی با طرح دوباره‌ی «اسلام ناب» در حیات بشری، به‌ویژه در جهان اسلام، روحی تازه دمید و کالبد مرده‌ی مساجد جوامع اسلامی را زنده کرد. امام خمینی (رضوان‌الله) از همه‌ی امکانات مسجد در راه اهدافش بهره گرفت. حضرت امام خمینی (رضوان‌الله) قیام کرد و آرزوی چندصدساله‌ی احیاگران و نگهبانان فرهنگ دینی را برآورده کرد و نظام حکومتی و سیاسی اسلام را محقق ساخت.

امام (رضوان‌الله) استعمار را سرچشمه‌ی خطر^۱ معرفی کرد و با تبیین درست معارف اسلامی،^۲ پویایی اجتهاد،^۳ پیوند اسلام با سیاست،^۴ اصل «ولایت فقیه» را الگوی حکومت،^۵ دانست و تعاملی سالم میان حکومت و مسجد برقرار کرد. امام خمینی (رضوان‌الله) در چند جمله‌ی مهم و تاریخی، پایه نهضت انقلاب اسلامی را رشد و ارتقای فعالیت‌های مسجد می‌داند. در سخنرانی ۱۵ خرداد سال ۵۷ در شهر قم، ایشان در مدرسه فیضیه چنین می‌فرماید: «این مسجد است که این بساط را درست کرد. این مساجد است که نهضت را درست کرد. در عهد رسول‌الله هم و بعد از آن هم تا مدت‌ها، مسجد مرکز اجتماع سیاسی بود؛ مرکز تجیش جیوش بود. «محراب» یعنی مکان حرب؛ مکان جنگ؛ هم جنگ با شیطان و هم جنگ با طاغوت. از محراب‌ها باید جنگ پیدا بشود؛ چنان‌که پیش‌تر از محراب‌ها پیدا می‌شد، از مسجدها پیدا می‌شد. ای ملت! مسجدهای خودتان را حفظ کنید. ای روشنفکران مسجدها را حفظ کنید، روشنفکر غربی نباشید. روشنفکر وارداتی نباشید! ای حقوق‌دان‌ها! مسجدها را حفظ کنید. بروید به مسجد؛ نمی‌روید! این مسجدها را حفظ کنید تا این نهضت به ثمر برسد؛ تا مملکت شما نجات پیدا کند».^۶

۱- ولایت فقیه، ص ۸، ۹، ۱۱.

۲- ولایت فقیه، ص ۱۷۷، ۱۷۸.

۳- پیام تاریخی حضرت امام به حوزه‌های علمیه در تاریخ ۳/۱۲/۵۷- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۷۱؛ ج ۲۱، ص ۳۴، ۴۷، ۶۸.

۴- ولایت فقیه، ص ۱۶- ۱۹؛ وصیت نامه سیاسی - الهی.

۵- ولایت فقیه، ص ۵۷.

۶- سخنرانی ۲۷/۱۰/۵۹؛ صحیفه نور، ج ۱۲ ص ۱۴۹؛ ج ۶، ص ۴۹.

۶- تحلیل چالش‌های مسجد

حاصل بی‌مهری تاریخی‌ای که نصیب شیعیان شد مشکلاتی است که اکنون پیش روی جمهوری اسلام قرار گرفته است. مشکلاتی که ریشه در هزار و چهارصد سال قبل دارد و محصول فرآیندی انحرافی است. وضعیت خاص حاکم بر زندگی شیعیان، آنان را در مقابل مسجد دچار بحران کرد؛ زیرا از سویی، در اسلام مسجد همزاد با حکومت بوده است و از سوی دیگر، حکومت‌ها مورد تأیید شیعیان نبوده‌اند. افزون بر آنکه امکان ایجاد مساجد مستقل نیز برای آنان وجود نداشته است. حال، چون نوع رابطه‌ی مردم با مسجد و رابطه‌ی مسجد با حکومت نهادینه نشده است، مسجد در جامعه‌ی بدل به فرهنگ نشده است و هنوز به رونق کامل مساجد نرسیده‌ایم. اگر امروز شاهد رونق مساجد مسلمانان در کشورهای چینی، عربستان، ترکیه و دیگر کشورهای سنی‌مذهب هستیم، باید بدانیم که این دست‌آورد یک‌شبه حاصل نشده است، بلکه حاصل هزار و چهارصد سال کار حاکمان اسلامی و گسیل مردم به سوی مسجد است. حضور در مساجد بخشی از فرهنگ روزمره‌ی آنان است؛ چون آن‌ها تقریباً حکومت‌ها را قبول داشته‌اند و حکومت‌ها بقاء حکومت خود را مرهون حضور مردم در مسجد می‌دانسته‌اند. البته، بی‌شک با توجه به آنچه گفتیم چنین مساجدی مورد تأیید پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیست؛ زیرا حاکم جائز نمی‌تواند متولی مسجد باشد.

۷- نیاز به فرهنگ‌سازی مسجد

شیوه‌ی تعامل امامان معصوم (علیه‌السلام) با مسجد برای ما شیعیان درس‌آموز است. از این رو، به دو حدیث در این باره اشاره خواهیم کرد:

الف. حضرت امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «نشستن در مسجد برای من از نشستن در بهشت محبوب‌تر و بهتر است، زیرا با نشستن در بهشت به خواسته خودم نائل شده‌ام، ولی با نشستن در مسجد به خواست خداوند نائل می‌شوم»^۱.

۱- وسایل الشیعه؛ ج ۳ ص ۴۷۷

ب. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هر وقت برای حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام) کار مهمی پیش می آمد، به نماز خواندن پناه می برد؛ سپس این آیه را تلاوت کردند: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^۱ ایشان همچنین فرمودند: «هر یک از شما که با اندوهی از اندوه‌های دنیا مواجه شد، وضو بگیرد و به مسجد بروید و دو رکعت نماز بخوانید و رفع اندوه و شدائد خود را از خدا بخواهید. آیا نشنیده‌اید که خداوند فرمود: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^۲.

اگر ما بعد از مقطعی کوتاه در دوران صفویه، دیگر بار شاهد کم‌رنگی مساجد هستیم به این دلیل بوده است که نه مسئولان حکومتی به مسجد عادت کرده بودند و نه مردم. لذا بعد از جنبشی شیعی، برای مدتی مساجد رونق می‌گیرد، ولی به دلیل اسلامی نبودن حکومت‌ها، این چراغ مجدداً خاموش می‌شود. به دلایلی رونق کوتاه مدت مساجد در صفویه تثبیت نشد؛ از جمله ضعف برنامه‌ریزی حکومت صفویه، عدم ارائه تعریف صحیح از جایگاه مسجد، عملکرد بد دولت‌مردان صفویه و نبودن اختیارات در دست علما و مراجع. اگر می‌خواهیم چیزی را به فرهنگ بدل کنیم، به تلاشی پیگیر و برنامه‌ریزی بلندمدت نیاز داریم.

نتیجه‌گیری

نمی‌توان با توجه به معنای لغوی واژه‌ی مسجد تمام کارکردهای اصیل و مشروع مسجد را معرفی و روشن ساخت؛ زیرا چنین استنباط‌هایی عجولانه و غیرمنطقی است و فقط بر پایه‌ی لغت بنا شده است. یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های پژوهش در بحث کارکردها، بررسی دقیق و همه‌جانبه اخبار و احادیثی است که در جریان اولین تأسیس مسجد در اسلام از سوی مورخان نقل شده است. همچنین، بررسی دقیق حادثه‌ی تخریب مسجد ضرار نیز پیش‌شرطی مهم در این باره است. از دیگر پیش‌شرط‌های لازم در بحث کارکردها این است که باید تحقیقی روشمند انجام شود، درباره‌ی شناسایی متولیان راستین و صاحب امتیازان شرعی مسجد در اسلام. در نهایت، هر پژوهشگر مباحث مربوط به مسجد باید شرایط عمومی و ابتدایی اجتهاد را داشته باشد تا به دام تحلیل‌های سطحی و غیر علمی نیفتد.

۱- وسایل الشیعه؛ ج ۵ ص ۲۶۳

۲- همان مدرک؛ ج ۵ ص ۲۶۳

۱. قرآن
۲. الاتقان فی علوم القرآن؛ مؤلف: جلال‌الدین سیوطی عبدالرحمن، ناشر فخر دین، چاپ اول، ۱۳۸۰ - شمارگان ۲۰۰۰، چاپخانه نور محقق، محمد ابوالفضل ابراهیم، حروفچینی کامپیوتر رضا. قم - پاساژ قدس - پلاک ۱۰۲. تلفن ۷۷۴۲۸۷۸
۳. الاحکام السلطانیة؛ ماوردی، دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم، جلد اول، ص ۱۰۰.
۴. أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد؛ سعید الخوری الشرتونی اللبانی، ۲ جلد زبان عربی، مکتبه اللبانی ۱۳۷۱ ش
۵. الأمالی ، محمد بن علی بن بابویه القمی المعروف ب «شیخ صدوق» (ت ۳۸۱ هـ . ق)، تحقیق: قم : مؤسسه البعثه ، چاپ اول ، ۱۴۰۷ هـ . ق .
۶. الامام الصادق و المذاهب؛ اسد حیدر ، دارالکتب العربی، بیروت، سال ۱۳۹ هجری، چاپ دوم، ص ۱۹۰
۷. التفسیر و المفسرون؛ دکتر محمد حسین الذهبی، ۱۴۲۴ق - مکتبه مصعب بن عمیر الاسلامیة.
۸. الخطط: المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار (معروف به خطط مقریزی)؛ تالیف: احمد بن علی مقریزی - تحقیق: محمد زینهم، قاهره - مکتبه مدبولی - ۱۳۷۷.
۹. الرائد؛ فرهنگ الفبائی عربی فارسی مؤلف جبران مسعود ترجمه رضا انزابی نژاد، ۲ ج انتشارات آستان قدس رضوی سال نشر ۱۳۷۳
۱۰. صحیح مسلم؛ به شرح الامام محی‌الدین النووی ابی زکریا الدمشقی الشافعی، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول سال ۱۴۲۰ - محقق: دکتر محمد عبدالرحمن مرعشلی - تخریج احادیث از کتاب تیسیر المنفعه محمد فؤاد عبدالباقی.
۱۱. صحیفه امام؛ پیام تاریخی حضرت امام به حوزه‌های علمیه در تاریخ ۳ / ۱۲ / ۵۸؛ ج ۲۰، ص ۱۷۱؛ ج ۲۱، ص ۳۴، ۴۷، ۶۸.

۱۲. العین: خلیل بن احمد فراهیدی، ۳ جلد محقق مهدی محزومی، انتشارات اسوه اوقاف و امور خیریه

۱۳۸۳

۱۳. الفرق بین الفرق؛ عبدالقادر بن طاهر بغدادی، ترجمه‌ی نکت الاعتقادیه شیخ مفید، حواشی محمد

جواد مشکور، تهران اشراقی، ۱۳۶۷.

۱۴. القاموس المحيط؛ محمد بن یعقوب فیروزآبادی (مجد الدین)، ناشر بیروت - ۴ جلد

۱۵. کشف اصطلاحات الفنون؛ تالیف محمد علی فاروقی التهانوی، محقق لطفی عبدالبدیع، ترجمه‌ی

عبد النعیم محمد حسنین، سال ۱۳۴۸

۱۶. اللسان العرب؛ مؤلف: محمد بن مکرم ابن منظور الافریقی المهری، مراجعه و تدقیق: ابراهیم شمس

الدین، ناشر: مؤسسه اعملی تونس

۱۷. لغت نامه دهخدا؛ تالیف: علی اکبر دهخدا - پانزده جلدی، ناشر مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه

تهران - چاپ دوم ۱۳۷۷ ش

۱۸. مجمع البیان لعلوم القرآن؛ تالیف سعید ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، ناشر: مجمع عالمی للتقریب

بین المذاهب الاسلامیه، چاپخانه رویال کرافک

۱۹. المسجد فی الاسلام؛ تالیف: طه ولی بیروت، دارالعلم للملایین ۱۴۰۹ .

۲۰. معجم مفردات الفاظ قرآن؛ علامه راغب اصفهانی، محقق: ندیم مرعشلی، تهران - مرتضوی، ۱۳۷۳.

۲۱. معجم مقائیس اللغه؛ احمد بن فارس با حاشیه ابراهیم شمس الدین - ۲ جلد - ناشر دارالکتب

العلمیه، چاپ دوم لبنان - بیروت

۲۲. معجم الادباء: ترجمه عبدالمحمد آیتی، [یاقوت حموی] یاقوت بن عبد اله [تهران سروش، انتشارات

صدا و سیما - ۱۳۸۱.

۲۳. مناقب آل ابی طالب؛ تالیف ابی جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب السروئی المازندرانی، تحقیق و

فهرست یوسف البقاعی چاپ دوم ۱۳۸۵ ش، انتشارات ذوی القربی، چاپخانه سلیمانزاده ۱۳۸۲.

۲۴. منتهی الأرب فی لغة العرب؛ تألیف: عبد الرحیم بن عبدالکریم صفی پوری، انتشارات فرهنگستان زبان ایران، یک جلدی ۱۱۱ صفحه.

۲۵. موسوعه التاريخ الأسلامی؛ تاریخ تحقیقی اسلام، محمد هادی یوسفی غروی، مترجم: حسینعلی عربی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی سال ۱۳۸۲

۲۶. نهج البلاغه من کلام امیر المؤمنین π ؛ تعلیق و تصحیح: محمد عبده، بیروت: مؤسسه الاعلمی.

۲۷. نهج البلاغه و گرد آوردنده آن؛ هیئات تحریریه بنیاد نهج البلاغه، مجموعه مقالات، چاپ تهران .

۲۸. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ تألیف محمد بن الحسن الحر العاملی، محقق شیخ عبد الرحیم ربّانی شیرازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت - لبنان،

۲۹. وسائل الشیعه؛ محمد بن الحسن الحر العاملی (ت ۱۱۰۴ ه.ق) ، تحقیق: مؤسسه آل البيت ، چاپ اول.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد